

پنج مقدمه ذکر کردیم؛ محصل مطالبی که در این پنج مقدمه گفتیم و نتیجه‌ای که از این مقدمات پنج گانه می‌گیریم این است که ادای حق نفس انسان، ادای حق خود انسانی، جدا از ادای حقوق اعضا و جوارح نیست. اگر انسان می‌خواهد خودش را به نحو کامل تحت بندگی و طاعت خدا قرار دهد، راهش این است که همه قوای حرکتی و ادراکی خود را در این مسیر تنظیم کند. انسان قوایی دارد؛ این قوا هر یک در مرتبه‌ای هستند. چه بگوییم قوای انسانی وجودی جز وجود نفس ندارند، کما ذهب الیه صدر المتألهین، و چه بگوییم قوای نفسانی انسان یک وجودی جدا از وجود نفس انسانی دارند و نفس به عنوان یک جامع، همه این قوا را دربرمی‌گیرد؛ به هر حال اگر این نفس بخواهد به نحو کامل در مسیر طاعت و بندگی خدا قرار بگیرد، باید همه قوای حرکتی و ادراکی انسان در یک جهت و در یک مسیر به خدمت گرفته شوند؛ اعضایی که در این عبارت حضرت به آنها اشاره کرده، لسان، سمع، بصر، ید، رجل، بطن و فرج، اینها اعضایی هستند که حرکت‌های انسان به وسیله اینها انجام می‌شود و یا کانال‌های ورود اطلاعات به قلب و ذهن انسان هستند و ابزارهای ادراکی انسان هستند. ابزارهای ادراکی و حرکتی انسان غیر از اینها نیست. ذهن انسان با دیدن و شنیدن پر می‌شود. دانش انسان یا از راه شنیدن است یا از راه خواندن. طرق معمول و متعارف انباشته شدن ذهن انسان از معارف و دانش‌ها و علوم، همین‌ها است. همین‌ها ابزارهای حرکت انسان هم هستند؛ رجل، ید.

پس امام سجاد(ع) در واقع می‌خواهد بفرماید استیفای حق نفس و قرار دادن به آن به طور کامل در مسیر بندگی خداوند، در گرو ادای حقوق این اعضای هفت گانه است. بعد در ادامه یک یک حقوق را بیان می‌کند که حقوق اینها چگونه ادا می‌شود. عبارت این بود: «وَأَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْتَوْفِيَهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ»، باید تمام وجود و نفس تو باید در مسیر بندگی خداوند باشد. استیفاء یعنی به نحو کامل در این مسیر قرار بگیرد. «فَتَوَدَّىٰ إِلَىٰ لِسَانِكَ حَقَّهُ وَ إِلَىٰ سَمْعِكَ حَقَّهُ وَ إِلَىٰ بَصْرِكَ حَقَّهُ وَ إِلَىٰ يَدِكَ حَقَّهَا وَ إِلَىٰ رَجْلِكَ حَقَّهَا وَ إِلَىٰ بَطْنِكَ حَقَّهُ وَ إِلَىٰ فَرْجِكَ حَقَّهُ». یعنی کأن می‌خواهد بفرماید اگر می‌خواهی در این مسیر قرار بگیری، پس باید حق اینها را ادا کنی.

ادای حق نفس از مسیر ادای حق اعضای هفت گانه

این پرده از یک امر بسیار مهم برمی‌دارد و آن اینکه امکان ندارد بین جزئیات رفتار و حرکات انسان و ادراکات انسان با آن مقصد اصلی و وصول به غایة القصوی خلقت آدمی و سعادت، تفکیک کرد. مشکل اصلی همین است؛ مثلاً یک کسی می‌گوید من مسلمان هستم و دارم بندگی خدا می‌کنم و تسلیم امر خدا هستم. ادعا کند که من بنده خدا هستم و در مسیر بندگی خدا قدم برمی‌دارم، اما چشم او برخلاف این ادعا حرکت کند؛ پایش برخلاف این ادعا حرکت کند. یعنی این حقوقی که امام سجاد(ع) به آن اشاره کرده‌اند، اگر رعایت شوند ضامن وصول به آن مقصد اعلی است. استیفای حق نفس و خود انسانی در گرو ادای این حقوق است؛ این است که آدمی را تنظیم می‌کند و انسان را در این مسیر قرار می‌دهد. یک کسی می‌گوید من ذکر خدا می‌گویم و نماز می‌خوانم و خودم را بنده خدا می‌دانم؛ اما زبانش به دروغ و تهمت باز شود و بد زبان باشد. این در حقیقت مثل کوسه ریش پهن می‌شود؛ می‌شود یک تلاطم و درگیری درونی که مثل قفل به پای انسان پیچیده می‌شود و مانع حرکت و عروج او

می‌شود. اصلاً امکان ندارد که نفس و روح انسان به یک سمت برود و اعضا و جوارح به سمت دیگر؛ اینها در یک مسیر هستند.

پس این به این مسأله اشاره می‌کند که ذره ذره اعمال انسان در ساختن سعادت یا شقاوت انسان تأثیر دارد. این در واقع اشاره به این دارد که زندگی زمینی و زندگی روزمره ما، اینکه صبح از خواب برمی‌خیزیم و بیرون می‌آییم و چشم، زبان، دست و پای ما حرکت دارد، چیزی می‌خوریم، به خواسته‌های مختلف طبیعی خودمان توجه می‌کنیم، اگر حقوقی که آن اعضا دارند در این کارها رعایت شود، انسان را به آن مقصد می‌رساند؛ یعنی صعود انسان از همین پله‌هایی است که هر روز در برابر ما قرار دارند. اگر از این پله‌ها بالا رفتیم، طبیعتاً می‌توانیم در مراحل بعد اینها را طی کنیم؛ اما اگر از این پله‌ها بالا نرفتیم، یا در جا می‌زنیم یا سقوط می‌کنیم.

آنگاه از آنجا که این امر مشکل و سخت است و به راحتی ممکن نیست، حضرت در پایان می‌فرماید: «وَتَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَي ذَٰلِكَ»؛ واقعاً در این امر باید از خدا استعانت و یاری جوئید. بالاخره انسان در این دنیا زندگی می‌کند و این اعضا به طور طبیعی و غریزی و به خاطر انس و حشر با عالم ماده، بیشتر توجهش به همین امور است و ممکن است از آن مقصد غفلت شود. کار سختی است که انسان زبان، پا، دست، بطن و فرج را بخواهد به خدمت بگیرد و طوری تنظیم کند و جهت بدهد که روح و نفس او در مسیر بندگی خدا قرار بگیرد.

این جمله چند جلسه به درازا کشید ولی لازم بود که این توضیحات بیان شود و پیوستگی این دو مسأله توضیح داده شود. ان شاء الله در جلسه آینده درباره حق زبان بحث خواهیم کرد

«والحمد لله رب العالمين»